

## سوغ و خشم

برای آن خواهرم و این خواهرم الهه محمدی



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

مرگ ناگهانی برای بازماندگان چون نیزه‌ای تیز و طولانیست که با سرعت نور از آسمان هفتم در میان تن می‌نشیند. هم درد دارد هم رنج. انگار کلیت هستی‌ات را نشانده گرفته است. از آن جنس رنج‌های ویران‌کننده‌ای که «تا خرمنم نسوزد احوال ماندانی»، دو هفته می‌گذرد که این نیزه به بیکیاره بر تن ما نشست و دو هفته است که خواهرم، آن مدهفته را ندیده‌ام. آن‌ها که چنین تجربه‌ای داشته‌اند می‌فهمند که از چه وضعیتی صحبت می‌کنم. وضعیتی که اگر خود را مشغول نکنی آوار فکر و هجمه غم، کمرت را تا می‌کند و اگر هم بخواهی به زندگی روزمره برگردی تا به لطف‌الرحیمی، حداقل برای لحظاتی از زیر خورار فکر بیرون بیایی، پیش خودت شرمسار می‌شوی. شرمسار از اینکه چرا از این غصه نمی‌میری که عزیزت آن زیر خوابیده باشد و تو این بالا کارهای همیشگی‌ات را انجام دهی.

در این وضع و حال بعضی اوقات به این فکر می‌کنی که هنوز هم کسان دیگری این بالا داری. جز آدم‌های نسبی، خواهران و برادرانی داری که اگر چه پدر و مادرمان یکی نیست، ولی همیشه با شادی تو شاد شدند و با سوگ تو عزادار. آنها که نمی‌گذرانند شمع نیم‌مرده زندگی‌ات به کلی رو به موت رود و حیانتش ساقط شود. بهانه نوشتن این یادداشت یکی از همین خواهرانم است. همه این مدت یکی از چیزهایی که از ویرانی کامل نجات‌ام داده است نوشتن بوده: نوشتن‌هایی که برای پنهان شدن در پوستوی هارد گوشی و کامپیوتر بوده و نه برای انتشار عمومی. من نه نه همچون شاهرخ مسکوب قلم و فکر سترگی دارم که سوغنامه‌ام به کار کسی آید و نه اولین و آخرین نفری هستم که به تیر غیب دچار شده است. این‌ها هم همه با هزار بدبختی و جان‌کندن نوشتند تا بگویم هنوز جای زخم خواهر خونی‌ام گرم است که خبر ایلان حکم الهه محمدی، خواهر غیر خونی‌ام، حفره‌ای دیگر در دلم باز و خشمگین‌ام کرد. جمع آنده و خشم، معجونی می‌شود که امیدوارم کمتر بشری تجربه کند. به درد و رنج‌های گریزپذیری فکر می‌کنم که نه از جانب هستی، روزگار و طبیعت بلکه از آدم‌هایی هم جنس خودمان تحمیل می‌شود و می‌شد که نباشند. به الهه و خانواده‌اش فکر می‌کنم که بعد از آن یک و نیم سال پردرد و رنج چند ماهی طول کشید تا به زندگی بازگردند. به این فکر می‌کنم که همه آن مدتی که در زندان بوده، پدرش به این فکر می‌کرده که چرا پاره تنم شب نباید سر به بالین خود بگذارد؟ به چه کسی آزار رسانده؟ مال چه کسی را در دیده؟ کدام زخمی بر کسی زده؟ جز اینکه همیشه صدای آنها بوده که جایی صدایشان شنیده نمی‌شود. به این فکر می‌کنم که با دستور صدور آزادی موقت‌شان چه نوری در دل همه‌مان آمد. یا با تیرنه شدن از جرمی که همه مانور تندرویان بر روی آن بود، گمان کردیم که دیگر عقلانیته آمده و قرار است که در این آشفته‌بازار و وقتی که هر کفتاری از یک سو برای ایران دندان تیز کرده است، حقیقتاً وفاقی صورت بگیرد و اگر سوءتفاهمی بیشتر بوده کنار گذاشته شود. راستش در میان غم هولناکم شوکه شدم و به این فکر می‌کردم که کدام عقلانیته در این موقعیت به این جمع بندی می‌رسد که زندان رفتن دو خبرنگار بی‌آزار دردی از کسی دوا می‌کند؟ از این خشمگین می‌شوم چرا در چنین جهانی، جهانی که هر آینه ممکن است تیری از غیب بیاید، جهانی چنین بی‌اعتبار و بی‌ثبات کسی همدلانتر به یکدیگر فکر نمی‌کنیم؟ ای کاش همگی بدون تجربه‌ای چنین زحمت و دردناک، ذات هستی را درک می‌کردیم. آن وقت بعضی اوقات هم کوتاه می‌آمدیم. می‌فهمیدیم که حالا طوری هم نمی‌شود بگویم این دو خبرنگار هم پرورنده شان مختمه شد و دیگر به زندان بر نخواهند گشت. با همه این‌ها باز می‌خواهم به الهه بگویم، هر دردی جز مردن درمان دارد. امیدوارم همواره باشی، استوار و بدانی اگر مدعی هم رحم نکنند خدا بکنند. می‌خواهم بگویم که هیچ چیزی در جهان جز مرگ قطعی نیست، دل قوی دار و به امید روزی که هیچ کسی برای نوشتن و گفتن به بند نیفتد سالم و استوار بمان.

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com  
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی  
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زید آبادی  
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • امید عرب (مدیر آنلاین)  
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)  
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)  
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری  
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار  
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۰۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸  
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌مین. • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



## ۲ روز باشکوه در سینمای ایران

گزارشی از حضور بیلگه جیلان فیلمساز شهیر ترکیه در ایران



رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ

فیلمنامه باشد، باید بودجه را با فضای مورد نظرمان تطبیق دهیم. نمی‌توان انتظار داشت که با هزینه ارزان، فضا سازی مطلوب اتفاق بیفتد. بودجه فیلم اولین مسئله است؛ چون تعداد جلسات فیلمبرداری برای فضا سازی مناسب بیشتر می‌شود. ضمن اینکه نمی‌توانید بازیگرانی که می‌خواهید را با بودجه کم بیارید. اگر نیاز به سفر و تجهیزات داشته باشید، ممکن است نتوانید هزینه را تامین کنید و به فضای فیلم لطمه بخورد. او در بخش دیگری گفت: مسئله دیگر، زمان فیلمبرداری است؛ یعنی شما در چه فصلی و چه زمانی فیلمبرداری کنید. ضمناً صحنه‌های خاصی که در زمان‌های خاصی باید ضبط شوند، باید در نظر گرفت. مشکل برخی فیلم‌هایی که فضا سازی نامناسبی دارند، لوکیشن است. در پایان فیلم «گذر زمان» با حضور کارگردان آن، سلیم اوجی نمایش داده شد.

### بازیگری از منظر بازیگر

اولین نشست دومین روز مشترک کلاس «شکوه سینما» با عنوان ورود بازیگر به دنیای نقش، با حضور پارسا پیروزفر برگزار شد. در این نشست پیروزفر به آنچه در ایفای نقش اهمیت دارد و به ارتباط بهتر بازیگر و مخاطب کمک می‌کند، اشاره کرد. همچنین پرسه پرسش بازیگر، فهم فیلمنامه و ارتباطات منطقی آن، بداهه پردازی، اهمیت هماهنگی نقش و دیالوگ با میمیک، فرم و رفتار بازیگر و... از جمله دیگر مباحثی بود که در این نشست مطرح شد. همچنین پارسا پیروزفر در بخش دیگری از این نشست به پرسش‌های حاضران پاسخ داد.

### جیلان: کیارستمی فیلمساز محبوب من است

دومین نشست مشترک کلاس «شکوه سینما» با عنوان «خاستگاه، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های سینمای جیلان» با حضور نوری بیلگه جیلان، کارگردان شهیر سینمای ترکیه و جهان و برنده نخل طلای کن، برگزار شد. فایسال سوسال، کارگردان فیلم سینمایی «درخت خاموش» (تولید مشترک سینمای ایران و ترکیه) به عنوان مترجم، نوری بیلگه جیلان را در این نشست همراهی کرد. بیلگه جیلان با اشاره به اینکه اولین بار در سال ۱۹۸۵ به ایران سفر کرده، عنوان کرد: من تاکنون سهبار به ایران آمدم، آخرین بار هم حدود ۲۰ سال پیش بوده است. سینمای ایران را خیلی دوست دارم و خوشحالم در کشوری که سینمایش قوی است حضور دارم. برنده نخل طلای کن، در باره جذابیت سوزه‌ها برای ساخته شدن فیلم‌هایش گفت: در مورد موضوعات اخلاقی‌ای که در آن نمی‌توان تصمیم‌گیری کرد و چیزهایی که نمی‌دانم، بیشتر کنجکاو هستم که درباره‌شان فکر کنم و فیلم بسازم. جیلان درباره فرآیند خلاقه‌اش در جریان توسعه داستان اظهار کرد: «کاش راه مشخصی برای طی کردن این فرآیند بود. برای هر فیلم و فیلمنامه باید یک راه جدید پیدا کنیم. بیشتر روی وضعیت امکانات فکر می‌کنیم و داستان را جلو می‌بریم.» این کارگردان سرشناس ترک در بخشی از این نشست درباره زنده‌یاد عباس کیارستمی بیان کرد: او کارگردان محبوب من است و از او خیلی چیزها یاد گرفتم. او تاثیر زیادی روی من داشته است. در استانبول زمانی که رفتم «خانه دوست کجاست؟» را ببینم، هنوز او را نمی‌شناختم و شناخت زیادی هم از سینمای ایران نداشتم. این فیلم اصلاح‌شده فیلم‌هایی که دیده بودم، نبود و موضوعاتی که کسی به فیلمساز برایش ارزش قائل نمی‌شد، وسط فیلم گذاشته بود و از آن فیلم ساخته بود. وقتی شما چنین فیلم‌هایی تماشا می‌کنید و دوست دارید، در چه‌جایی تازه به رویتان باز می‌شود. از آن موقع کارهای کیارستمی را دنبال کردم و همه فیلم‌هایش را دوست دارم. او گفت: ما یک فرهنگ مشترک داریم و از این لحاظ هم با آثار کیارستمی هم‌ذات‌پنداری کردم؛ شاید به همین دلیل در اروپا چنین تاثیری نباشد. به نظرم عباس کیارستمی، در سینما نفس و روح جدید خلق کرده است. او روش فیلم ساختن را هم دگرگون کرد و راه‌های جدید فیلم ساختن را به کارگردان‌ها یاد داده است. در ادامه نوری بیلگه جیلان به پرسش‌های حاضران پاسخ داد.

### یادبود عباس کیارستمی

در ادامه، مراسم یادبودی صمیمی برای کارگردان نامدار سینمای ایران، زنده‌یاد عباس کیارستمی برگزار شد. در ابتدای این مراسم برش کوتاهی از فیلم «کیارستمی و عصای گمشده» درباره عباس کیارستمی پخش شد. سپس مستانه مهاجر، مدیر این رویداد در سخنانی کوتاه ضمن تقدیر از حاضران، گفت: «شکوه سینما» باعث شد که یک‌بار دیگر دو روز جمع شویم. جای عباس کیارستمی همیشه خالی است. سپس سیفا الله صمدیان در سخنانی گفت: حیف است فیلم‌های نوری بیلگه جیلان را ببینید و عکس‌هایش را نبینید. ابراهیم حقیقی نیز در سخنانی اظهار کرد: تصور این است که طوری که کیارستمی فیلم می‌ساخت و نوری فیلم می‌سازد، با قلبشان می‌سازند! به سینمای تجاری جهان کار ندارند. سپس بخش‌های کوتاهی از مستند «۲۶ دقیقه ۱۵ ثانیه با عباس کیارستمی»، ساخته سیفا الله صمدیان نمایش داده شد. در پایان این مراسم فیلم «روی علف‌های خشک» با حضور کارگردان آن، نوری بیلگه جیلان نمایش داده شد.

## چهره

### نخستین زن دارنده دکترای گیتار در جهان

لی‌لی افشار، نوازنده چیره‌دست و نخستین زن دنیا که دکترای گیتار گرفت، متولد ۱۸ اسفندماه ۱۳۳۸ بود. افشار در سال ۱۹۷۷ و زمانی که فقط ۱۷ سال داشت، برای تحصیل در مدرسه موسیقی بوستون به آمریکا رفت. او موفق شد در سال ۱۹۸۶ در کلاس‌های مستر آندرس سگویا شرکت کند و در برابر او گیتار بنوازد. علاقه لیلی افشار به موسیقی معاصر منجر شد که از نخستین اجراکنندگان آثار رضا والی، گری آیلستر، گرارد روز، لوریس چوبانیان، آرن ملنس، کامران اینجه، باربارا کولب، مرلین زیفربین و سالوادور پروتونس باشد. او کنسرت‌های متعددی در ایران، آمریکا، انگلستان، ایرلند، کانادا، فرانسه، دانمارک، ایتالیا، آفریقا، نیوزیلند، استرالیا و آمریکای جنوبی برگزار کرد، همچنین در «وبگمور هال لندن»، «مرکز هنرهای اجرایی کندی»، «فستیوال موسیقی گرندتیتن»، «فستیوال موسیقی اسپن»، «مدرسه هنرهای تجسمی بنف»، «فستیوال موسیقی منتون» و «آکادمی آمریکایی در رم» نواخت. لیلی افشار که وبسایت دانشگاه مفسیس به‌عنوان نخستین زن دریافت‌کننده دکترای نوازندگی گیتار معرفی شده بود، دوم آبان‌ماه ۱۴۰۲ در ۶۳ سالگی درگذشت.



## رویداد

### تکیه محمدرضا نوروزپور بر صندلی معاونت مطبوعاتی

محمدرضا نوروزپور که سابقه فعالیت رسانه‌ای اش به دهه ۷۰ بازمی‌گردد و تجربه حضور و فعالیت در رسانه‌های مختلفی را داشته است، به عنوان معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی شد. نوروزپور ۵۱ ساله، کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری و مدرک دکتری‌اش را در رشته روابط بین‌الملل اخذ کرده است. در سوابق او، مسئولیت‌هایی نظیر مدیرعاملی خبرگزاری جمهوری اسلامی، دبیری شورای اطلاع‌رسانی دولت و عضویت در شورای سردبیری خبرگزاری خبرآنلاین به چشم می‌خورد. او همچنین در حین مسئولیت‌هایش از اعضای اصلی شورای اطلاع‌رسانی دولت بود و معاونت سخنگوی دولت را برعهده داشت. ترجمه آثار در حوزه بین‌الملل و رسانه نیز از جمله دیگر کارهای نوروزپور است، که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های «حمله به عراق، آن چه رسانه‌ها به شما نگفتند» و «نرم خبر و سخت خبر، خبرنگاری پیشرفته» اشاره کرد. پیش از این، در دولت سیزدهم، فرهاد مهدی‌پور عهده‌دار این سمت بود و عنوان این معاونت به معاونت امور رسانه‌ای و تبلیغات وزارت ارشاد تغییر یافته بود.



## تاریخ

### پایان جنگ‌های اول ایران و روسیه



نخستین دور از جنگ‌های ایران و روسیه در دوره قاجار، اول تیرماه ۱۸۱۳ خورشیدی آغاز شد و دوم آبان‌ماه ۱۱۹۲ با شکست ایران، تحمیل قرارداد گلستان و از دست رفتن اراضی بزرگی از ایران در شمال رود

ارس به پایان رسید. جنگ بر سر اختلاف دو دولت بر سر تحت‌الحمایگی گرجستان در گرفت. فعلی شاه پادشاه ایران در این جنگ شکست‌ناخست نظر مثبت و همکاری بریتانیا را به خود جلب کند که به نتیجه نرسید. بعد از آن، ایران به عقد قرارداد با فرانسه مبادرت ورزید تا بتواند با کمک ناپلئون روسیه‌نزاری را شکست دهد. با این همه شکست فرانسه از روسیه و انعقاد عهدنامه تیلسیست میان این دو کشور، در نتیجه‌های همکاری میان فرانسه و ایران را بست. بدین ترتیب وقتی در جنگ اصلاندوز، قوای روسیه که از نظر تعداد بسیار کمتر از ایرانی‌ها بودند، شکست سختی بر ارتش ایران به فرماندهی عباس میرزا وارد آوردند، بیش از ۱۲۰۰ نفر را کشتند و بیش از ۵۰۰ نفر را به اسارت گرفتند، نزد اولیای دولت ایران تردیدی باقی نماند که ادامه این نبرد نمی‌تواند به پیروزی منجر شود. سرانجام با میانجیگری بریتانیا، طرفین به صلح رضایت دادند و جنگ پایان یافت.